

تمدن سازی در حکومت عدل علی علیه السلام

سید محمد جواد فصیحی^۱

چکیده

آرمان شهر اسلامی تنها در پیروی از خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام امکان پذیر می باشد و با توجه به راهکار پیش رو، این مهم تنها با اجرای عدالت و فراهم کردن بستر آن میسر می شود. از این رو تحقق تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی به دو عنصر مردم و حاکم آن شهر بستگی دارد و تا زمانی که تعادل بین این دو عنصر برقرار نشود، آرمان ساخت تمدن اسلامی نیز محقق نخواهد شد. در طول تاریخ به هر میزان که حکومتی رعایت عدالت اجتماعی را سرلوحه خود قرار داده است به همان میزان نام خود را به عنوان حکومتی موفق در تاریخ ثبت کرده است. یک نمونه موفق از حکومت های عدالت محور، حکومت حضرت علی علیه السلام می باشد که نمونه کامل اجرای عدالت در همه ابعاد است.

کلید واژه ها: تمدن، فرهنگ، عدالت، تمدن اسلامی، حضرت علی علیه السلام.

مقدمه

تجلی جامعه‌ای در خور حیات انسان و دور از بدی و زشتی، با نام‌هایی همچون مدینه فاضله یا آرمان‌شهر اسلامی در قالب اندیشه‌هایی خاص امکان‌پذیر خواهد بود، اما آیا دین مبین اسلام برای این آرمان‌شهر برنامه‌ای ارائه داده است؟ برای شناسایی این آرمان‌شهر در تفکرات اسلامی، پس از رجوع به تعالیم قرآنی و سیره نبوی، با ملاحظه مشی و مرام و شیوه عملی امام علی علیه السلام نیز می‌توان پاسخ این سؤال را داد، زیرا که آن حضرت با تأسی به پیامبر صلی الله علیه و آله در همه شؤون زندگی، چه گفتاری و چه کرداری همواره پیرو دستورات پیامبر و اسلام بوده است، در این خصوص هرکسی اندکی تاریخ و سرگذشت زندگانی آن حضرت را مورد مطالعه قرار دهد در می‌یابد که آن حضرت در تمام طول عمر خویش برخی اصول را با تمام وجود پرداخته است که از آن جمله، عدل و عدالت اجتماعی است.

چگونه می‌شود انسانی با وجود اینکه تمام جمال و کمال دنیا را در اختیار داشته باشد، ولی مجذوب آن نشود و در مقابل مجذوب عدالتی شود که باعث رنج کشیدن و در نهایت شهادتش شود؟ آیا این چنین عدالتی تأثیری نیز بر جامعه اسلامی خواهد گذاشت یا خیر؟ چه ارتباطی میان آرمان‌شهر اسلامی و عدالت اجتماعی وجود دارد؟ اسلام این رابطه را چگونه ترسیم کرده است؟ دیدگاه امام علی علیه السلام به جامعه اسلامی تحت رهبری خود و مسئله عدالت اجتماعی چگونه است؟ در این مقاله به بحث پیرامون این مسائل خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی تمدن

«تمدن» در لغت به معنی شهرنشین شدن و با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن و نیز همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... معنا شده است (معین: ۱۳۷۴؛ عمید: ۱۳۶۵) و در اصطلاح عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتواند با همنوایی در کنار یکدیگر به منزله اعضای یک خانواده کامل و جامع درون آن زندگی کند. (بینش، ۱۳۸۹: ۱۴)

۱.۱. مفهوم‌شناسی عدالت

«عدالت» در لغت به معنی دادگری کردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۷۶۴) و نیز عدالت را در لغت استقامت چیزی و مستقیم بودن داد و انصاف و نیز میزان و امر متعادل

معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۵۴-۱۱۵۳) و در اصطلاح عدالت یعنی حد وسط میان افراط و تفریط (جرجانی، ۱۴۰۸ق: ۱۴۷) اما عدالت در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام به معنی قرار دادن هر چیز در جای خودش و رساندن هر ذی حقی به حقش آمده است؛ «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدالت هر چیزی را در جای خودش می‌نهد». (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۷)

۲.۱. تفاوت تمدن و فرهنگ

فرهنگ به مجموعه آداب و عادات و اندیشه‌ها و اوضاعی اطلاق می‌شود که گروهی از مردم در آن شرکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و نیز فرهنگ بیشتر یادآور پیشرفت انفرادی است و تمدن یادآور پیشرفت‌های جمعی می‌باشد. در اصطلاح‌شناسی انسان‌شناسان، کاربرد تمدن دیرینه‌تر است، ولی انسان‌شناسان به دلیل ابهام این واژه آن را کنار گذاشته و به جای آن از واژه فرهنگ استفاده کرده و در حال حاضر هر دو واژه بر یک مفهوم دلالت می‌کند، جز آنکه دامنه فرهنگ محدودتر از تمدن است. (بینش، ۱۳۸۹: ۱۵)

۲. سیری مختصر بر زندگانی حضرت علی علیه السلام

علی ابن ابی‌طالب، ۲۳ سال قبل از هجرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه، متولد شد او پسرعمو و داماد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله چهارمین خلیفه اهل تسنن و اولین امام تمامی شیعیان می‌باشد، او ده یا یازده ساله بود که اسلام را اختیار کرد و به عنوان اولین مسلمان پس از حضرت خدیجه علیها السلام محسوب می‌شود. او در خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بزرگ شد و در جریان شب هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه به منظور آسان شدن خروج پیامبر در رخت خواب پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید، چند ماه بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله با دختر او حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کرد و از ازدواج آن‌ها دو پسر (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) و دو دختر (زینب و ام کلثوم) به دنیا آمد.

در طول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله او در تمام غزوات غیر از جنگ تبوک که به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله حکمرانی مدینه را به عهده داشت شرکت داشتند و پس از رحلت پیامبر در سال ۱۱ هجری، خلافت از امام علیه السلام غصب شد و این موضوع باعث دودستگی و تفرقه در بین مسلمانان شد و اسلام به دو گروه تشیع و تسنن تقسیم شد و در نهایت در سال ۳۵ پس از هجرت، پس از قتل عثمان، حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین

پیامبر ﷺ از سوی مردم انتخاب شد. مشخصه دوران حکومت امام علی علیه السلام بحران‌های سیاسی و نزاع‌های داخلی بود و امام علیه السلام وارث حوادثی بود که پس از رحلت پیامبر ﷺ و تا دوره عثمان گریبان اسلام را گرفته بود و سرانجام امام علی علیه السلام در سال چهل هجری به دست یکی از خوارج به شهادت رسید (تهامی، ۱۳۸۵: ۱۵۴۴ و ۱۵۴۵)

۳. حکومت و تأثیرات آن بر جامعه

۳.۱. حکومت در زمان پیامبر ﷺ

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حالی به پیامبری مبعوث شد که ارتکاب کارهای زشت در میان مردم رایج شده بود، مردم بت‌ها را می‌پرستیدند، خشونت و رفتارهای ناپسند در جامعه موج می‌زد، شرق و غرب زمین آکنده از خرافات، سخافات، بدعت‌ها و پلیدی‌ها بود، او آمد تا مردم را از تاریکی رهانیده و به روشنایی رهنمون سازد و از آغاز رسالت خود با شعار «لا اله الا الله» بر آن شد که مردم را از خدایان پوچ جدا سازد و میان آن‌ها قسط برقرار کند و با برقراری عدالت مردم را به چیزی فراتر از جاهلیتی که در آن گرفتار بودند، فراخواند.

قرآن کریم نیز بر این اصل تصریح می‌کند و در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید صراحتاً بیان می‌کند که هدف اصلی از نزول قرآن و پیامبر ﷺ برای برپا کردن عدالت در جامعه است، اما آیا اجرای اصل عدالت تأثیری بر شکل‌گیری یک تمدن متفاوت دارد و این تأثیر به چه میزان است؟ پاسخ این سؤال را می‌توان در سرگذشت‌نامه‌ها و تواریخ جستجو کرد که چگونه میزان و معیار عدالت باعث آبادانی یک حکومت و بنا سازی تمدن‌های عظیم شده است، چرا که به هر میزان که حکومتی این اصل را سرلوحه خود قرار داده است به همان میزان حکومت و دولتی مستحکم را پایه نهاده است. همان گونه که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثبات الدول باقامه سنن العدل؛ دولت با اقامه عدالت ثبات و پایداری می‌یابند». (آمدی، بی تا: ۱۶۲)

۳.۲. حکومت در زمان خلیفه‌ها

پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ و انتخاب ابوبکر به عنوان جانشین، مهم‌ترین اصل‌هایی که پیامبر ۲۳ سال تلاش کرده بود که آن‌ها را گسترش دهد اندک‌اندک به فراموشی سپرده می‌شد و با تعریفی که ما در ابتدا از عدالت ارائه کردیم اولین چیزی که مورد هجوم قرار گرفت عدالت بود چرا که مهم‌ترین رکن در جای خودش قرار نگرفت.

آنان پایه حکومت خویش را جور قرار دادند و عدل را کنار گذاشتند، زیرا که جور و عدل نسبت تضاد دارند و دو چیز که باهم در تضاد باشد قابل جمع باهم نیستند، یعنی نمی‌شود یک نقطه در زمان و مکانی واحد هم سفید باشد و هم سیاه؛ بلکه یا سفید است و یا سیاه. امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «ضادوا الجور بالعدل؛ با اجرای عدالت با ظلم مبارزه کنید». (آمدی، بی‌تا: ۲۰۵)

مسلماً در جایی که پایه و اساس حکومت جور و ستم باشد، مردم آن نیز ه تبع حکومت رو به سمت ستم آورده و جور و تبعیض و نژادپرستی را جایگزین تفکرات اسلامی خواهند کرد، این چنین جامعه‌ای به یقین به خلاف مسیر تمدن نوین اسلامی گام خواهد نهاد و از جامعه و تمدن اسلامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنا نهاد فاصله خواهد گرفت. از طرفی خلفا جنگ‌های برون مرزی را آغاز کردند تا خدشه به منصب آن‌ا وارد نشود و این امر باعث می که روحیه جنگ و خشونت در بین مسلمانان رواج یابد، درحالی که آموزه‌های اسلام هیچ گاه موافق با شروع جنگ نبوده و نیست. این روحیه خشونت و جنگ و به طبع آن، پیروزی در جنگ‌ها خود عاملی برای ایجاد تبعیض نژادی و در راستای آن نادیده گرفتن حقوق مسلمانان غیر عرب می‌شد.

۳.۳. رهبری علی علیه السلام و تمدن اسلامی

آفتاب بامداد مدینه برآمده و اشعه زرین خود را بر همه شهر از خرما بن‌ها و نهرها و خانه‌ها و کوچه‌ها و... فروفرستاده است. مردمان برخاسته‌اند و به سوی بیت‌المال خویش به راه افتاده‌اند، با اطمینان کامل که هیچ نیرومندی به ضعیف ستم نخواهد کرد و هیچ ضعیفی از عدالت نومید نخواهد شد... و علی ابن ابی‌طالب علیه السلام تجسم‌اعلای عدالت‌گستری و حق و نگهبان کرامت بشری در میان مردم و به همه از سرخ و سیاه، شریف و ضعیف، آزاده و برده، عالم و جاهل، رئیس و مرئوس سه دینار می‌دهد. در آنجا در ازدحام توده‌ها و در میان صف‌های مردمان، پیشتازان اسلام، رجال بزرگ، سران مسلمان شده و مهاجر قریش، شجاعان و فرماندهان مشهور قشون و علما و فضلالی مسلمان، همه و همه، بی‌آنکه تفاوتی میان آن خلق مشاهده شود، شانه‌به‌شانه، در کنار یکدیگر ایستاده‌اند؛ حتا غلام سهل بن حنیف انصاری نیز در میان آن دیده می‌شود... هریکی می‌آید و سهمی مساوی با سهم دیگران سه دینار می‌گیرد و در آن لحظه مردمان را همچون دندانه‌های شانه با یکدیگر برابر می‌بینی، که پاداش فضیلت‌های خویش را از خدا

می‌خواهد و هیچ مزیت خواهی و امتیاز دهی دیده نمی‌شود؛ نه شریف به دلیل شرافت و اشرافیت خود مورد احترام قرار می‌گیرد و نه فرودست به دلیل گمنامی تحقیر می‌شود... همه به یک چشم دیده می‌شوند؛ دیدی که برای انسانیت ارزش‌هایی می‌آفریند که گذشت روزگاران از ارزش آن‌ها نمی‌تواند بکاهد. (حکیمی، ۱۳۷۷: ۲۰۹-۲۰۸)

پس از گذشت ۲۵ سال از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ سرانجام رهبری جامعه به دست اهلس سپرده می‌شد، این در حالی بود که آموزه‌های اسلام در این سال دستخوش تغییرات زیادی بود و جامعه دچار مشکلاتی شده بود که ذکر همه آن‌ها مطول است، اما اهمیت بحث عدالت از آنجایی مشخص است که حضرت شرط پذیرش حکومت را اجرای عدالت قرار می‌دهد و در اولین اقدام خود جدای از تبعیض و برتری‌های نژادی، بیت‌المال را به صورت یکسان بین همه تقسیم می‌کند و سعی در اصلاح سیاست‌های مالی غلط خلفای پیشین می‌کند و در حقیقت ایشان قصد دارند تا با اجرای عینی عدالت، جامعه اسلامی را به همان تمدن نبوی سوق دهند. مسلماً اجتماعی که در آن تبعیض و قومیت‌گرایی نباشد و همه به منزله یک خانواده کامل و جامع در آن زندگی کنند رو به رشد و بالندگی گام خواهد برداشت چرا که هرکس در جایگاه اصلی خود و با توجه به ارزش‌ها و توانایی‌هایی که دارد، قرار دارد.

۴. عدالت از نگاه قرآن کریم

۴.۱. هدف بعثت انبیا

از دیدگاه قرآن کریم، هدف اصلی بعثت انبیا برقراری عدالت است، چنان که می‌فرماید: ﴿لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...﴾؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: ۲۵)

در این آیه هدف اصلی انبیا را اقامه عدل دانسته است و سه چیز را مقدمه برای آن دانسته است؛ بینات که همان معجزات و دلایل عقلی است که پیامبران به آن مجهز بودند، کتاب که به دلیل روح و حقیقت واحد آن، لفظ آن نیز واحد آمده است و سوم میزان که به معنای وسیله وزن و سنجش است و مصداق حسی آن ترازو است که با آن وزن اشیا را می‌سنجند، اما بی‌شک معنای لغوی آن مورد توجه است، یعنی چیزی که اعمال انسان‌ها را

می‌توان با سنجید و به طور کلی آن ابزار احکام و قوانین الهی است و برپایی قسط نیز متوقف بر اجرای همین احکام است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۷۱)

می‌توان چنین استنباط کرد که اصل قسط است و احکام و قوانین، ابزاری برای اقامه آن؛ از طرفی هر قانونی نیاز به مجری دارد و حکم عقل چنین است که به میزان جامعیت قانون مجری نیز باید جامعیت داشته باشد، یعنی احکام و قوانین که غیر از تنها یک وجود نمی‌تواند آن را وضع کند، مسلم است کسی غیر از همان یک وجود، نمی‌تواند برای آن مجری تعیین کند، نکته دیگر اینکه قرآن کریم عدالت را مختص حکومت یا حتی گروه خاصی بیان نمی‌کند و همه مردم را به برپایی آن دعوت می‌کند که این خود جای تأمل و بحث دارد.

۲.۴. امر به داوری و حکومت همراه با عدالت

قرآن کریم، عدالت در داوری را گوشزد کرده و می‌فرماید: ﴿...و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل...﴾؛ زمانی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید. (نساء: ۵۸)

خداوند در این بخش از آیه امر می‌کند به داوری همراه با عدل بدون قید زمان و مکان خاصی، زیرا که عدل اصل معرفی شد و اصل هر امری بدون هیچ قید شرطی لازم الاجراست و تحت هیچ شرایطی تغییر نخواهد کرد، به گونه‌ای که خداوند در آیه ۸ سوره مبارکه مائده، از اینکه دشمنی و کینه باعث شود کسی اصل عدالت را زیر پا بگذارد نهی می‌کند و می‌فرماید مؤمنان موظف‌اند که در هر شرایطی ملتزم به عدالت باشند.

۳.۴. گرایش به عدالت در سخن گفتن

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...و إذ قلتم فاعدلوا و لو کان ذی القربى...﴾؛ پس هرگاه سخن می‌گویید عدالت را رعایت کنید، حتا اگر در مورد نزدیکان خودتان باشد. (انعام: ۱۵۲)

۵. دیدگاه حضرت علی علیه السلام در مورد عدالت

امام علیه السلام همواره به این اصل اهتمام ورزیده است که چند نمونه از آن را به اجمال بیان می‌کنیم:

- شخصی از حضرت علی علیه السلام پرسید: عدل برتر است یا بخشش؟ حضرت فرمودند: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد، درحالی که بخشش آن را از جای خود خارج

می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است درحالی‌که بخشش گروه خاصی را شامل می‌شود، پس عدالت شریف‌تر و برتر است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) این جمله قصار امام حکایت از اهمیت مسئله عدل دارد و امام علیه السلام عدل را تدبیر عمومی مردم می‌داند، یعنی عدالت یک مسئله اجتماعی است و باید همه مردم به آن روی آورند، همان‌گونه که در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید (لیقوم الناس بالقسط) آمده است.

- در جای دیگر، امام علیه السلام خطاب به محمد ابن ابی بکر پس از ذکر چند صفت از صفات یک حاکم خوب، می‌فرماید: «أس بینهم فی اللحظه، النظره حتی لا یطمع العظماء فی حیفک لهم و لا یبأس الضعفاء من عدلک علیهم؛ در نگاه‌هایت و خیره شدن‌هایت به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم کاری تو طمع نکنند و ناتوان از عدالت تو مأیوس نشود». (نهج البلاغه، نامه: ۲۷)

امام علیه السلام به برقراری عدالت به گونه‌ای اهتمام داشته است که فرماندار خود را از نگاه کردن همراه با تبعیض منع می‌کند، زیرا این کار را مصداقی از بی‌عدالتی می‌داند. به عبارت دیگر امام اجرای عدالت را با همه اعضا و جوارح می‌داند و اگر عضوی از اعضای بدن این مهم را رعایت نکنند در حقیقت ظلم را جایگزین آن کرده است، حتا اگر در مقام اجرا ظهور و بروز نداشته باشد.

همچنین در جای دیگر آن حضرت می‌فرماید:

سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر برم و با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دانم تا اینکه خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و یا چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم. (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)

از این قبیل فرمایشات در کلام امام علیه السلام که دال بر اهمیت عدالت است، فراوان یافت می‌شود.

۶. عدالت علوی در مقام اجرا

آیا خود امام علیه السلام در دوره چند ساله حکومت خود این اصل را رعایت کرده است؟ بدیهی است که امام معصوم به امری فرمان نمی‌دهد مگر آنکه اول خود مجری آن باشد، در حقیقت روش عملی امیرالمؤمنین علیه السلام در رعایت عدالت اجتماعی مکمل فرهنگ علوی ایشان است و آن حضرت در مسند خلافت و رهبری جامعه اسلامی، همواره مقید

به اصول اخلاقی و در رأس آن عدالت اجتماعی بوده است، ما نیز چند مثال از این مهم، در رفتار و عمل ایشان ذکر خواهیم کرد. ابن داب از «امهانی» خواهر حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند: روزی او به نزد برادرش آمد تا به او کمک کند، حضرت امیر علیه السلام بیست درهم به او داد. چندی بعد کنیز امهانی نیز نزد حضرت علیه السلام رفت و او نیز درخواست کمک کرد و از امام علیه السلام بیست درهم دریافت کرد. خواهر امام علیه السلام ناراحت شد و خواست که به او بیشتر بدهد اما امام علیه السلام درخواست او را نپذیرفتند و فرمودند: من قرآن را خوانده‌ام و در آن دقت کرده، اما برای فرزندان اسماعیل علیه السلام (عرب‌ها) و فرزندان اسحاق علیه السلام (غیر عرب‌ها) حتا به اندازه بال پشه‌ای برتری ندیدم. (دستی، ۱۳۷۹: ۹۳)

در سال ۳۸ هجری خبر به امام علی علیه السلام رسید که یکی از کارگزاران از بیت المال مسلمین چیزی اضافه برای خود برداشته است. امام علی علیه السلام پس از شنیدن خبر به شدت عصبانی شده و در نامه‌ای خطاب به آن فرماندار نوشتند اگر بیت المال را سرچایش قرار ندهد او را به شدت عقاب خواهند کرد:

تو را با شمشیری می‌زنم که به هرکس زدم بی‌درنگ وارد دوزخ گردید، به خدا سوگند اگر حسن و حسین چنین می‌کردند که تو انجام دادی روی خوش از من نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا اینکه حق را از آن‌ها باز پس ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده است نابود سازم. (نهج البلاغه، نامه ۴۱)

نقل است حضرت علی علیه السلام در حال تقسیم بیت‌المال بودند، طفلی از نوه‌های امام علیه السلام آمد و چیزی برداشت و رفت (گویا مقداری خرما یا خوردنی دیگر بود) در اینجا هر پدری ممکن است مسئله را ندیده بگیرد، ولی امام علیه السلام به سرعت به دنبال طفل دوید و آن را از دستش گرفت و به بیت‌المال برگرداند. مردم به حضرت گفتند: این طفل هم سهمی دارد... امام فرمودند: هرگز، بلکه تنها پدرش سهمی دارد، آن هم به قدر هر مسلمان عادی، هرگاه آن را گرفت به هر قدری که بخواهد به طفل خود خواهد داد. (رمزی اوحدی، ۱۳۹۰: ۵۶۱)

می‌بینیم که نزد حضرت علی علیه السلام هیچ برتری برای عرب و عجم، خویشاوند و غریبه، سیاه و سفید وجود ندارد، خوب است ما نیز به عنوان شیعه امام در مسیر او قدم نهیم و از تبعیض‌های ناروای قومی و ملیتی دست برداشته و این مذهب را که امام و شهیدان راه امام بعد از حدود ۱۴۰۰ سال به ما رسانیده‌اند، قدر نهیم.

۷. نقش عدالت در تمدن‌سازی

طبق آنچه گذشت، آیات قرآن کریم با تقسیم جامعه به دو گروه اشراف و فقرا مبارزه می‌کند و اصولاً به جامعه‌ای که گروهی از آن مرفه‌ترین زندگی‌ها را داشته و در اشراف و تذبذیر غرق باشند و آلوده به انواع مفساد گردند درحالی که گروهی دیگر از ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین وسیله زندگی انسانی محروم باشند هیچ‌گاه رضایت نمی‌دهد و چنین جامعه‌ای روی آرامش را به خود نخواهد دید و ظلم و ستم حتماً بر آن سایه خواهد افکند و این چنین جامعه‌ای، هیچ‌گاه طعم رشد و بالندگی را نخواهند چشید، زیرا اشراف این جامعه در پی سودجویی بیشتر خود هستند و فقرای این جامعه سعی در برآوردن نیازهای ابتدایی خود می‌کنند و هیچ کدام از آنها، هیچ‌گاه فکر رشد و تکامل و تکاپوی جامعه حتا به ذهنشان خطور نخواهد کرد.

پیامبر اسلام نیز مبعوث شد تا شرافت‌های اخلاقی را به مردم بیاموزد؛ «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲) از طرفی جامعه‌ای که فاقد شرافت‌های اخلاقی باشد و در رأس آن جامعه‌ای که در آن حقوق مردم نادیده گرفته شود هیچ‌گاه پایدار نخواهد بود. همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «العدل اساس به قوام العالم؛ عدالت اساس و پایه است و قوام عالم بر این پایه است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ۸۳) از طرف دیگر جامعه‌ای که در آن برای عدالت اجتماعی ارزش قائل شوند پایدار خواهد ماند، همان طور که حضرت می: «ثبات الدول باقاهه سنن العدل؛ دولت‌ها با اقامه عدل ثبات و پایداری می‌یابند». (آمدی، بی تا: ۱۶۲)

حکومتی که ثبات داشته باشد برای مردم ارزش قائل می‌شود و در صورتی که مردم لذت عدالت را بچشند به شریعت و دین الهی اقبال می‌کنند و احکام الهی را با رغبت انجام می‌دهند، از این رو زنده بودن اجتماع به اجرای عدالت در آن اجتماع بستگی دارد و در طرف مقابل جامعه‌ای که در آن اصل عدل را نادیده می‌گیرد همانند قبرستان است. همچنین حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۳ در چند مورد تأکید می‌کند که عامل اصلی آبادانی شهرها و علاقه مردم نسبت به حکومت، عدالت است، بنابراین تمدن در هر حکومت و اجتماعی رابطه مستقیم با عدالت دارد و میزان تمدن در هر جامعه به میزان رعایت عدالت در آن جامعه بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

۱. اجرای عدالت به صورت فردی و به صورت اجتماعی (حکومتی) امری است واجب که همه باید این اصل را رعایت کنند.
۲. عدالت، محکم‌ترین پایه و اساس حکومت‌ها است و هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند حکومتی را محکم و پایدار نگه دارد.
۳. رعایت عینی عدالت در جامعه، باعث سازندگی و آبادانی شهرها می‌شود.
۴. اجرای عدالت در جامعه، در مردم آن جامعه انگیزه ایجاد می‌کند که به فرمان‌های الهی اهتمام ورزند.
۵. نبود عدالت در یک جامعه، باعث دو دستگی اجتماع و به وجود آمدن طبقات اجتماعی می‌شود.
۶. اجتماع بدون عدالت به سمت و سوی ویرانی و جنگ پیش خواهد رفت.
۷. امتیازدهی به شخص خاصی از بندگان خدا، خلاف اسلام است و اسلام با تبعیض میان افراد مخالف است.
۸. علت اصلی بعثت انبیا، اجرای احکام و قوانین بر پایه قسط است.

پیشنهادات:

۱. باید با پدیده تبعیض در جامعه به هر شکلی مخالفت کرد.
۲. مدیران باید عدالت محوری را سرلوحه خود قرار دهند.
۳. کسانی که اهل امتیازدهی و امتیازگیری هستند باید جلوشان گرفته شود و به هیچ عنوان نباید مدیر یک بخش عمده از جامعه باشند.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)
- نهج البلاغه (ترجمه استاد محمد دشتی)
- - تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (بی تا)، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری، تهران: خلیج فارس.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران: دار الکتب اسلامی.
- بینش، عبدالحسین (۱۳۸۹)، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، قم: زمزم هدایت.
- تهامی، سید غلامرضا (۱۳۸۵)، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۸ق)، التعریفات، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۷۸)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ارمی، حسن و همکاران (۱۳۹۴)، دایره المعارف جهان نوین اسلام، ج ۳، تهران: شرکت افست.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، امام علی علیه السلام و اقتصاد، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رمزی اوحدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، هزار و یک داستان از زندگانی حضرت علی علیه السلام، قم: سعید نوین.
- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد (۱۳۸۳)، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، ج ۲، قم: انتشارات اسوه.
- عمید، حسن (۱۳۶۵)، فرهنگ عمید، ج ۱۶، تهران: امیر کبیر.
- معین، محمد (۱۳۷۴)، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: امیر کبیر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.